

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه مورخه ۱۳ نوامبر ۲۰۲۰

سیدنا امیر المومنین پنجمین خلیفه حضرت مسیح موعود علیه السلام بتاريخ ۱۳ نوامبر ۲۰۲۰ در مسجد بیت المبارک اسلام آباد تلفورد خطبه جمعه ایراد فرمودند که با ترجمه شده در زبان های مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد.

امروز ذکر خیر اصحاب اهل بدر بیان خواهد شد، اما قبل از آن می خواهم توضیحی بدهم: دو خطبه قبل در ضمن بیان ذکر خیر حضرت معاذ بن جبل روایتی بیان شده بود که در آن، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند که بزودی به شام هجرت می کنید، آنجا به دستتان فتح می شود اما در آنجا بیماری آبله و دمل بر شما مسلط می شود که آدم را به اولین پله نردبان می گیرد. این ترجمه درست نبود و از آن مطلب روشن هم نمی شود. ترجمه درست این است که آن در بدن زیر ناف ظاهر می شود.

حضور انور پس از تعریف کردن روانیت کامل فرمودند که ذکر خیر حضرت عبدالله بن عمرو جاری بود، حال دوباره آن شروع می شود. حضرت جابر بن عبدالله تعریف می کند که در روز

غزوه احد، پدرم را نزد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم آوردند در حالی که او را مثله کرده بودند حضرت فاطمه دختر عمرو بر این موقع شروع به گریه کرد آنگاه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: گریه نکن که فرشتگان پیوسته با بال‌های خود بر او سایه کرده‌اند.

حضور انور درباره تکفین و تدفین و نماز میت شهدای غزوه احد روایات مختلفی بیان فرمودند. در صحیح بخاری طبق روایت حضرت جابر که شهدای غزوه احد دو دو نفر را باهم در یک پارچه قرار می‌دادند و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم کسی از اینان قرآن شریف را بیشتر بلد بود او را اول در لحد می‌گذاشتند. آنها نه غسل داده شدند و نه بر آنها نماز میت خوانده شد. و طبق روایتی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بر شهیدان غزوه احد بعد از هشت سال نماز میت خواندند. در سنن ابن ماجه آمده است که شهدای غزوه احد را در خدمت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم آوردند، ایشان بر ده شهید نماز میت می‌خواندند و جنازه حضرت حمزه همانجا می‌ماند و بقیه شهدا از آنجا برده می‌شدند.

حضور انور فرمودند که حضرت مرزا بشیر احمد از تواریخ مختلف این استنباط کرده است که اگرچه آن زمان بر آنها نماز میت خوانده نشد اما بعداً در زمان نزدیکی وفات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، ایشان به طور خاص بر شهیدان احد نماز میت خواندند.

حضرت جابر بن عبدالله تعریف می کند که من برای پدرم شش ماه پس از غزوه احد قبر درست کردم و وی را در آن دفن کردم و من در بدنش هیچ تغییری را پیدا نکردم. چهل و شش سال پس از غزوه احد حضرت امیر معاویه کانال آب را ساخت و آبش به قبرهای شهدای غزوه احد در قبرهای حضرت عبدالله بن عمرو و حضرت عمرو بن جموح داخل شد، هنگامی که قبرهایشان را باز کردند بر روی آنها دو چادر بود، وقتی دستش را از زخمش برداشتند، از آن زخم خون جاری شد. حضور انور فرمودند که این واقع امری غیر ممکن است، پس از این قبیل روایات هم نقل می شوند که درخور بحثند. فرمودند که این قانون طبیعت است؛ بعد از چهل و شش سال امکان ندارد که او تغییرپذیر نشده باشد و فقط استخوانها مانده باشد.

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت جابر را به سبب شهادت پدر و اصرار کردن طلبکاران قرض غمگین دیدند و فرمودند که خدا با هیچ کسی کلام نکرده است اما از پشت پرده ولی او پدرت را زنده کرد و روبروی خود قرار داده و با او صحبت کرد و فرمود: ای بنده من، از من [هر چه می خواهی] بخواه که به تو عطا کنم، وی عرض کرد: پروردگارا، مرا دوباره زنده کن تا من در راهت دوباره کشته شوم خداوند متعال فرمود: من مقدر نموده‌ام که کسی که بمیرد دوباره به دنیا بازگردانده نشود، حضرت عبدالله بن عمرو عرض کرد که پس این [خبر] را به افرادم که در آنجا هستند، برسان.

حضرت خلیفة المسیح الرابع در یک سخنرانی خود متعلق به قبل از عهد خلافت شرح و تفصیل این رویداد را تعریف کرد که خداوند متعال با دادن خبر احساس قلبی عبدالله بن عمرو در واقع داشت این پیام را به حضرت می داد که ما اینچنین عشق نسبت به تو در دل‌های بندگان عارف ایجاد کرده‌ایم که حتی بعد از درگذشتن از عالم گزران باز فکر تو آنها را رها نمی کند و به خاطر اینکه ترا در میدان جنگ تنها گذاشته اند چقدر رنجیده خاطرند.

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود برای ادا کردن قرض حضرت عبدالله بن عمرو خرمایش در طلبکاران تقسیم فرمودند. حضرت جابرؓ بیان می‌کند که بعد از پرداختن تمام و کمال قرض خرماها باقی ماند.

صحابی دیگر حضرت سماک بن خرشه<sup>۳</sup> است. وی با کنیه خود ابودجانه معروفتر بود. وی از قبیله خزرج شاخه بنوساعده بود. بین حضرت عتبه بن غزوان<sup>۴</sup> و حضرت ابودجانه پیمان برادری بستند. شجاع و دلیر و اسب‌سوار ماهری حضرت ابودجانه در غزوه بدر، احد و تمام غزوات دیگر شرکت کرد و از اصحاب کبار انصار شمرده می‌شد. وی یک دستمال قرمزی داشت و آن را فقط در هنگام جنگ بر سر خود می‌بست و از خود نشان می‌داد. حضرت ابودجانه در غزوه احد هم ثابت‌قدم ماند. در روز غزوه احد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم شمشیر را به دست گرفتند و فرمودند این را چه کسی از من می‌گیرد؟ همه گفتند: من، من، اما حضرت باز فرمودند: چه کسی آن را می‌گیرد در حالی که حقش را ادا کند؟ حضرت انس می‌گوید که آنگاه مردم دست‌های خود را جلو بردند ولی حضرت ابودجانه گفت: من آن را می‌گیرم و حقش را ادا می‌کنم. حضرت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: با آن هیچ مسلمانی را نکشی، با داشتن آن از هیچ کافری فرار نکنی. حضرت ابودجانه خرامان به وسط صف‌های لشکر دشمن رفت آنگاه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم با دیدن او فرمودند: که خداوند متعال این نوع راه رفتن را بجز در این موقعیت یعنی در هنگام جنگ دوست ندارد.

حضرت زبیرؓ به بیان کردن حال روز احد می فرمایند که هر کسی که جلوی ابودجانه قرار می گرفت، وی او را دوشقه می کرد و به جلو می رفت تا این که از لشکرشان رد شده و به سر زنان رسید که در دامن کوه داشتند دف می زدند. ابودجانه شمشیر خود را بلند کرد که زنی را بزند و برای تکریم شمشیر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم که آن را به زنی زد، لذا متوقف کرد.

حضرت مصلح موعود سپس فرمودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم همیشه آموزش ادب و تعظیم با زنان دادند و به سبب آن «آموزشی» زنان کفار با جرات سعی می کردند که مسلمانان را ضرری برسانند اما بازهم مسلمانان حرفهای کفار را تحمل می کردند.

در مورد حضرت ابودجانه مستشرق نامور سر ولیم میور نوشت که ابودجانه دستمال قرمز روی خود خود بسته و با شمشیری که پیامبر اکرم ﷺ به وی داده بود با آن هر طرف نعش ها پراکندند.

مسيلمه كذاب بعد از پیامبر اکرم ﷺ ادعای نبوت دروغین کرده بود و تصمیم گرفت که به مدینه لشکر کشی کند و حضرت ابوبکر برای سرکوبی آن در ۱۲ هجری لشکری روانه کردند و حضرت ابودجانه شامل آن لشکر بودند. مسيلمه كذاب همراه با لشکر باغی در یمامه محصور شده. گفتن حضرت ابودجانه به مسلمانان آنان وی را در باغ انداختند. آنچه آن کردند اما به سبب این پاهایشان شکست بازهم بر سر در باغ جنگیدند و مشرکان را از همانجا عقب راندند و مسلمانان وارد باغ شدند. حضرت ابودجانه همراه عبدالله بن زید و وحشی بن حرب، مسيلمه كذاب را به قتل رساندند و روز یمامه شهید شدند.

در قسمت دوم خطبه جمعه حضور پر نور ایده الله تعالی بنصره العزیز ذکر خیر چهار مرحومین کردند و اعلام اقامه نماز میت غایب شان فرمودند.

اولین ذکر خیر آقای محبوب خان ابن آقای سید جلال از منطقه پشاور بود. وی را ۸ نوامبر ۲۰۲۰ ساعت هشت صبح مخالفین جماعت احمدیه با شلیک گلوله شهید کرده بودند. انا لله و انا الیه رجعون. شهید ۸۰ سالگی بود. مرحوم ویژگی‌های متعددی داشت. ذوق عبادت و به دعوت الی الله را تا حد جنون اشتیاق و علاقه داشت. میهمان نوازی در سخاوت نیز ممتاز بود. در باز ماندگان علاوه بر همسرش دو پسر، دو دختر، پسر و دختر پسر، پسر و دختر دختر را سوگوار گذاشت.

جنازه دوم متعلق به آقای فخر احمد فرخ مربی جماعت است در پاکستان زندگی می کرد در تاریخ یکم نوامبر بعثت تصادف فوت کرد.

انا لله و انا الیه رجعون.

او در سال ۱۹۹۶م بعد از فارغ التحصیل شدن از جامعه احمدیه در پاکستان و ساحل عاج غرب آفریقا توفیق خدمت را می یافت. بازماندگان وی علاوه بر همسرش و چهار دختر هستند.



جنازه سوم متعلق به پسر آقای فخر احمد فرخ بنام احتشام عبد الله بود. وی نیز همراه پدرش در تصادف جاده‌ای فوت کرده بود.

#### انا لله و انا اليه راجعون.

به فضل تعالی عضو تحریک پر برکت وقف نو و در سال اول دیپلم بود.

جنازه چهارم آقای دکتر عبدالکریم پسر میان عبد اللطیف است مشاور بازنشسته اقتصادی بانک دولتی پاکستان بود. در تاریخ ۱۴ ستمبر ۹۲ سالگی وفات یافت.

#### انا لله و انا اليه رجعون.

مرحوم شامل اولین دسته ای بود که از دانشکده تعلیم الاسلام قادیان فارغ التحصیل شده بود. مرحوم علاوه بر همکاری با سازمان‌های اقتصادی بین المللی چون MF، عضو فعال کمیته‌های جماعت نیز بود.

حضور انور برای رفیع درجات تمام مرحومین دعا

فرمودند.